

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالواحد تلاش

۲۷ فبروری ۲۰۱۲

زحمتکشان بامیان،

با اتحاد شان پاسخ زورمندان را خواهند داد

ولایت بامیان از جمله ولایت های محروم کشور ماست که سالهای درازی زیر ستم حکمرانان مختلف قرار داشته و مردم آن درد، رنج، فقر، تجاوز و ظلم را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند و حاکمان خون آشام از هیچ نوع ظلم در حق این مردم دریغ نورزیده اند. اما با تحمل این سختی ها مردم زحمتکش ولایت بامیان اعم از هزاره، سادات و تاجیک در این ولایت سالهای متمادی در کنار هم زندگی برادر وار داشته و کدام مشکلی با هم نداشته اند و در بیرون راندن شوروی متجاوز از وطن شان همه با هم برای استقلال کشور در یک سنگر رزمیده اند، ولی بعد از این که متجاوزان را از ولایت شان بیرون راندند، گروه هائی که در ضمیر شان خدمت به مردم و وطن را نداشتند، اختلافات قومی، سمتی و منطقه ئی را میان مردم دامن زدند تا از اختلافات آنان تومانی و دالر به دست آورند. تاریخ بامیان به خوبی این را به خاطر دارد که چگونه اشخاص زورمند خود را به دروغ حامی و غمخوار ملیت خود نشان داده و با تبلیغات زهر آگین از این نوع، که ملیت های دیگر برای فقر و بدبختی آنان ملامت هستند و برای این که «ملیت خود ما» به بهروزی و رفاه برسد باید علیه ملیت های دیگر جنگید و حق خود را گرفت، در حالی که هم سادات، هم هزاره و هم تاجیک بامیان از همه بهتر می دانند که عامل بدبختی شان توده های زحمتکش دیگر ملیت ها نبوده بلکه ثروتمندان و چپاول گران تمام ملیت ها می باشند. این زورمندان از سیاست معروف انگلیس که تفرقه بینداز و حکومت کن، استفاده کرده، تلاش می ورزند تا مردم زحمتکش بامیان را در فقر و بدبختی نگه کرده خود صاحب فابریکه و شهرک و تلویزیون و سرمایه های افسانه ئی می شوند. اینها با تمام حيله و نیرنگ توانسته اند فرزندان نا آگاه ولی صادق زحمتکشان را فریب داده و به خصوص جوانان را به خاطر فقر و مجبوری های اقتصادی شان با این تبلیغات زهر آگین به احزاب و گروه های خود جذب نمایند و آنها را علیه یک دیگر مسلح کرده، خون شان را بر زمین می ریزانند.

اکنون می بینیم که حامیان دروغین دیروزی این اقوام محروم و مظلوم از این جنگ ها چه سود هائی را که نبرده اند و به چه ثروت های افسانه ئی و شهرک هائی که دست نیافته اند، به چه مقام و منصبی که نرسیده اند؛ فرزندان این حامیان دروغین فعلاً در بهترین پوهنتونهای جهان درس می خوانند، بهترین امکانات را دارند، بهترین غذاها را می خورند، بهترین شهرکها و بلند منزل ها را در اختیار دارند، بهترین کروزیین ها و هایلکس ها را سوار می شوند؛ ولی فرزندان این اقوام محروم، عده ای در جنگ های گروهی شهید شدند و عده ای هم که باقی مانده اند شب و روز با دستان ترکیده و پاهای کفیده در شهرهای کشور ما، ایران و پاکستان پشت لقمه نانی سرگردان می دوند، نه در مکتب و پوهنتون درس خوانده می توانند و نه هم کوچکترین امکانات زندگی برای شان مهیا است، این مردم نه غذای درستی می خورند و نه خانه گلی درستی دارند و نه الاغی برای سوار شدن دارند، بلکه در مغاره ها زندگی کرده و می کنند، ولی فرزندان این حامیان دروغین هرگز چنین وضعیتی ندارند و نه تنها کشته نشدند بلکه درناز و نعمت تمام غرق اند و کم ترین غذای شان به قول شاعر مبارز ایران احمد شاملو «کباب فناری با آتش سوسن...» است.

اما اکنون فرزندان اقوام پا برهنه و مظلوم هزاره ، تاجیک و سادات ولسوالی های ورس، یکاولنگ، شیر، کهمرد، پنجاب و مرکز بامیان با درس گیری از گذشته سه دهه به این درک سیاسی رسیده اند که دیگر فریب این حامیان دروغین شان را نخورده و دست در دست هم داده سرنوشت خود را خودشان رقم خواهند زد.